

ابن قولویه، آغازگر زعامت هزار ساله

به یقین راهی که شیعه به امامت، امام عصر(عج) و نیابت عام زعمایی بزرگ از آغاز غیبت کبری تا به امروز طی کرده، با برنامه ریزی دقیق، فقه پویا و نیروهای توجیه صورت گرفته که ابن قولویه نخستین زعیم شیعه پس از غیبت کبری و آغازگر زعامتی هزار ساله است.



به یقین راهی که شیعه به امامت، امام عصر(عج) و نیابت عام زعمایی بزرگ از آغاز غیبت کبری تا به امروز طی کرده، با برنامه ریزی دقیق، فقه پویا و نیروهای توجیه صورت گرفته که ابن قولویه نخستین زعیم شیعه پس از غیبت کبری و آغازگر زعامتی هزار ساله است.

به گزارش خبرگزاری رسا، در دوران هفتاد ساله غیبت صغری، شیعیان فقط به وسیله چهار نفر از نائبان خاص امام زمان(عج) می توانستند سؤالات و مسائل شرعی پیش آمده را مطرح کرده و جواب دریافت کنند؛ چرا که حکومت بنی عباس با توجه به تجاری که از مقابله با امامان به دست آورده بود، راه نفوذ در شیعیان و یا تطمیع بعضی یاران سست عنصر را به خوبی می دانست و از حربه های مختلف برای از هم پاشاندن لایه اول شیعیان اطراف امام(ع) و یافتن مکان آن حضرت استفاده می کرد.

زندگی پربرکت نواب خاص امام مهدی(عج) در زمانی بود که شیعیان در اوج سختی و رنج به سر می بردند و از همه مهمتر مسأله غیبت امام معصوم نخستین بار بود که اتفاق افتاد و از طرفی اهل سنت و مذاهب منحرف، از این کمبود سوء استفاده می کردند و تهمت های ناروایی را به شیعیان وارد کرده و آنها را مورد تشکیک و انحراف قرار می دادند. اما این نواب خاص امام بودند که با راهنمایی های امام مهدی(عج) بر مشکلات و سختی ها غلبه کرده و شیعیان را از سرگردانی و پراکندگی نجات دادند و همچنان ایشان را در مسیر روشن حق نگه داشتند.

وقتی خداوند حکیم و عالم، عداوت دشمنان قسم خورده، حکومت های ظالم و عدم همراهی مردم و نبود شرایط برای اعلام آموزه های معصومین برای به مسیر حق آمدن مردم را دید، مصلحت را در غیبت کبری تشخیص داد. آنچه امام زمان(عج) به عنوان آخرین نامه یا توفیق، به چهارمین نایب خاصشان، علی ابن محمد سمري نوشتند، حکایت از همین تدبیر و تقدیر الهی دارد. متن این توفیق بسیار مهم و قابل تامل بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ای علی بن محمد سمري، خداوند به تو و به دوستانت اجر فراوان عطا کند؛ زیرا تا شش روز آینده از دنیا خواهی رفت. پس خود را آماده کن بعد از خودت کسی را به عنوان جانشین تعیین نکن؛ چرا که غیبت دوم شروع شده است. پس ظهور محقق نخواهد شد مگر به اذن خداوند و آن ظهور بعد از مدتی طولانی و سنگ شدن دل ها و پر شدن زمین از ظلم است و عده ای از شیعیان ادعای دیدن ما را می کنند. هر کس قبل از خروج سفیانی و صحیه آسمانی چنین ادعایی کند، او دروغگو و افترا دهنده است. و لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظيم.(1)

اما آیا منطقی است در این شرایط حساس و پر تشکیک یک امام معصوم و آخرین ذخیره الهی روی زمین شیعیان خود را با دادن یک نامه به آخرین نایب خاص، بدون طرح، برنامه و جانشین رها کرده و به نام غیبت از آنها دوری کند؟ قطعاً اینچنین نبوده و نیست. از آغاز دوران غیبت صغرا، امام زمان(عج) در حال طرح ریزی برای دوران غیبت طولانی کبری بودند. یکی از دلایل وجودی غیبت صغری نیز آمادگی اذهان شیعیان برای چنین غیبت پر حکمتی بود.

غیبت تنها ولی معصوم زمان، شروع یک طرح استراتژیک، با دوام و کاملاً مطمئن بود که از سوی خداوند و سپس امام زمان(عج) طراحی و با همت علما و زعمای بزرگ شیعه پیاده گشت؛ امروزه نتایجی از آن را در منطقه حساس غرب آسیا شاهد هستیم که هر جا مبارزه با ظلم، کفر و تکفیر هست نام شیعه به عنوان سردمدار و خط مقدم مبارزه در راه خدا مطرح است.

این که روحانیت اصیل از ابتدا تا کنون در راستای اهداف اسلام و معصومین فعالیت می کنند، سخن اشتباهی نیست. به حدیثی جالب و با محتوا که از امام زمان نقل شده توجه کنید:

قالَ امام مهدی علیه السلام: اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا (احادیثنا)، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ انا حُجَّةُ الله عَلَيْكُمْ؛ امام مهدی(ع) فرمود: جهت حل مشکلات در حوادث(امور سیاسی، عبادی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی...) به راویان حدیث و فقهاء مراجعه کنید که آن ها در زمان غیبت خلیفه و حجت من بر شما هستند و من حجت خداوند بر آن ها.(2)

با توجه به مسایل مطرح شده، قطعاً راهی که شیعه اثنی عشری به امامت، امام عصر(عج) و نیابت عام زعمایی بزرگ از شروع غیبت کبری تا به امروز طی کرده با برنامه ریزی دقیق، فقه پویا و نیروهای توجیه و تربیت شده بوده است.

در این سلسله یادداشت ها به بررسی زندگی برجسته ترین زعمای شیعه و نحوه تأثیر آن ها در این طرح بزرگ استراتژیک که قطعاً به ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء منتهی خواهد شد می پردازیم.

ابن قولویه قمی نخستین زعیم شیعه پس از غیبت کبری

ولادت

جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن مسرور بن قولویه قمی در شهر قم و در خانواده ای اهل علم و تقوا به دنیا آمد. از تاریخ دقیق تولد این عالم بزرگوار خبر دقیقی در دسترس نیست. جعفر بن محمد از همان کودکی به فراگیری علم و دانش در محضر درس پدر و برادرش که از راویان بزرگ شیعه به شمار می آمدند، پرداخت.(3)

خانواده ابن قولوی از خانواده های مشهور و اهل علم شهر قم بودند که خدمات بسیاری به جمع آوری احادیث معصومین و نشر آنها کردند. پدر و برادر جعفر نیز «ابن قولویه» بوده اند. ولی آنها به عنوان «محمد بن قولویه» و «علی بن محمد بن قولویه» ذکر می شوند و هر گاه به طور مطلق «ابن قولویه» گفته شود، منظور جعفر بن محمد بن قولویه است. طبق سخن تاریخ نگاران گنیه جعفر ابن محمد، ابوالقاسم بود. (4)

زمان شناسی و تألیف «کامل الزیارات»

در زمان ابن قولویه، شیعه تقریباً کمترین کتب را در اختیار داشت و هنوز سازماندهی خاصی در بین علما و بزرگان صورت نگرفته بود. به همین دلیل جعفر ابن محمد با زمان شناسی و بصیرت به تألیف کتاب کامل الزیارات پرداخت. ابن قولویه انگیزه خود را این چنین بیان می کند: «من این کتاب را برای تقرب به درگاه الهی و پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، ائمه معصومین (ع) و نشر زیارت آن بزرگواران در میان برادران مؤمنم نگاشتم و تلاش کردم با نشر معارف اهل بیت (ع) و نقل ثواب زیارت آن بزرگواران، به جمیع اهل ایمان هدیه ای تقدیم کرده باشم.» (5)

این کتاب از چند جهت قابل تمجید است.

1- با تحقیق بسیار در مورد روایان به افراد موثق رسیده و از آنها نقل حدیث کرده است.

2- در دورانی که شیعیان نمی دانستند از چه دعاهایی جهت زیارت بهره بجویند، این کتاب را تألیف کرد.

3- مبنایی برای علمای علم رجال شد. علمای بعد زمانی که تأیید ابن قولویه را نسبت به یک فرد نقل کننده حدیث می دیدند، آن فرد را به اصطلاح ثقه تلقی می کردند.

4- احادیثی در کتاب نقل شده که شاید اگر با یک دهه تأخیر برای ثبت آنها تلاش می شد، هیچ فردی اثری از آنها پیدا نمی کرد.

اهمیت این کتاب آن قدر زیاد است که علما و مردم او را با نام «صاحب کامل الزیارات» می شناسند و این نام تا به امروز هم برای ابن قولویه قمی مرسوم است. در این کتاب ارزشمند به روایاتی که درباره زیارت اهل بیت (ع) آمده و همچنین به ثوابی که به زائران قبور آنان داده می شود، اشاره شده است.

بخش عمده این کتاب، که 108 باب و 843 حدیث دارد، به زیارت اباعبدالله الحسین (ع) اختصاص یافته و در پایان به دو روایت در فضیلت زیارت حضرت معصومه (س) اشاره شده است.

علامه امینی در مقدمه پرارزش خود و شرح حال ابن قولویه، درباره اهمیت کتاب می گوید: از کتاب های قدیمی معروف است. شیخ طوسی در کتاب «تهذیب» و سایر محدثین از آن به عنوان سند حدیث و دعا نقل کرده اند و شیخ حر عاملی آن را از مصادر و منابع کتابش «وسائل الشیعه» قرار داده و آن را از کتب مورد اعتماد دانسته است.

کامل الزیارات 108 باب بوده که باب نخست آن ثواب زیارت پیغمبر (ص) و زیارت امیرالمؤمنین (ع)، امام حسن و امام حسین (ع) است و آخرین باب آن «باب نوادر زیارات» است.

اعتبار حدیثی این کتاب سبب شده تا به منبع معتبر حدیثی اصحاب ائمه (ع) تبدیل شده و یکی از منابع دست اول حدیث برای مؤلفان و محدثان متأخر به شمار رود؛ به طوری که منبعی برای کتاب التهذیب شیخ طوسی گردد. این کتاب یکی از معتبرترین مراجع کتب دعا و زیارات متأخران مانند مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی است.

سفرهای علمی ابن قولویه

برای جعفر بن محمد بن قولویه دو سفر ثبت شده که یکی به عراق بوده و حدود سی سال طول کشیده است و سرانجام در همان جا دار فانی را وداع گفته است و سفر دیگر، به مصر بوده است.

سفر اول: برای فراگیری حدیث، سفری که در اسناد روایات ثبت شده، نام شهرهایی چون ری، عسکر مکرّم (در خوزستان) و مصر یاد شده است. (6)

سفر دوم: محدث نوری داستان جالبی از ابن قولویه به نقل از کتاب «خراپج» قطب الدین راوندی آورده است که همان را علامه مجلسی در جلد 13 بحارالانوار باب 23 (باب کسانی که امام زمان (ع) را دیده اند) نقل کرده است: وقتی در سال 337 هجری به عزم حج بیت الله وارد بغداد شدم و آن سالی بود که قرامطه (7) «حجرالاسود» را به جای خود برگردانیده بودند و بیشترین سعی من این بود که خود را به مکه برسانم و ببینم چه کسی حجرالاسود را در جای خود نصب می کند؛ زیرا در خلال بعضی از کتاب ها دیده بودم که نوشته بود: «حجرالاسود را می ربایند و بار دیگر امام آن عصر، آن را در جای خود نصب می کند»، چنانکه در زمان حجاج بن یوسف، امام زین العابدین (ع) آن را در جای خود نهاد و به همان حال ماند. ولی در بغداد بیماری سختی پیدا کردم، به طوری که جان خود را در معرض خطر دیدم و نتوانستم شخصا به حج بروم. ناچار شخصی به نام «ابن هشام» را نایب گرفتم که از جانب من به حج برود و نامه سربسته ای به وی دادم که در آن به حضرت امام زمان (عج) نوشتم بودم و از مدت عمر خود و این که در این مرض می میرم یا نه، سوال کرده بودم.

به ابن هشام نایب خود گفتم: «تمام مقصودم این است که این نامه را به دست کسی برسانی که حجرالاسود را در جای خود می گذارد و جواب آن را گرفته و بیآوری و من تو را فقط برای این کار می فرستم.» (پیدااست که حج واجب نبوده است)

وقتی ابن هشام از سفر حج برگشت، نقل کرد که چون وارد مکه شدم و مردم در صدد برآمدن حجرالاسود را در جای خود نصب کنند، من مبلغی پول به عده ای از خدام حرم دادم تا راه را باز کنند و من بتوانم آن کس که حجرالاسود را در جای خود می گذارد ببینم. چند نفر از خدام را با خود نگاه داشتم که ازدحام جمعیت را به یک سو زنند و بدین گونه بود که به نزدیک محل رسیدم.

هر کس حجرالاسود را برداشت که در جای خود نصب کند، قرار نگرفت. تا این که جوانی گندم گون و زیبا روی آمد و آن را برداشت و در جای خود گذارد؛ به طوری که گوئی اصلا کنده نشده بود.

در این موقع صدای شادی حاجیان از هر سو برخاست. سپس جوان مزبور از یکی از درهای مسجدالحرام خارج شد. من هم برخاستم و از هر طرف مردم را متفرق ساختم و به دنبال وی شتافتم. مردم هم به من راه می دادند و مرا دیوانه می پنداشتند، ولی من در آن گیر و دار چشم از او بر نمی گرفتم تا این که از میان جمعیت بیرون آمدم.

من با سرعت پشت سر او می دویدم و او آهسته راه می رفت، ولی به او نمی رسیدم. وقتی به جایی رسیدم که جز من کسی او را نمی دید ایستاد و به من نگریست و گفت: آنچه با خود داری بیاور! من هم نامه را به او دادم. بدون اینکه به آن نگاه کند گفت: بگو از این بیماری وحشت مدار که بعد از سی سال دیگر خواهی مُرد! در این وقت گریه ام گرفت و چندان گریستم که قدرت هر گونه حرکتی از من سلب شد. در همین حال مرا گذاشت و رفت.

ابن قولویه گفت: این داستان را ابن هشام نائب من بعد از مراجعت از سفر حج برای من نقل کرد.

ابن قولویه در نگاه بزرگان

شخصیت های بزرگ بسیاری در مورد ابن قولویه اظهار نظر کرده اند که حتی بزرگانی مثل شیخ مفید و علامه حلی نیز مراتب ارادت خود را به این عالم بزرگوار برای ثبت در تاریخ تشیع عرضه داشته اند. شخصیت ممتاز این عالم وارسته عالم بزرگ اهل سنت یعنی ابن حجر عسقلانی را نیز به وجد و از او به نیکی بسیار یاد کرده است. از این روی به گفتار چند نفر از این بزرگواران در خصوص ابن قولویه بسنده می کنیم:

1- شیخ طوسی: «ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی، شخصیتی مورد اطمینان و دارای تألیفات فراوان به تعداد ابواب فقهی است.» (8)

2- نجاشی: «ابوالقاسم از ثقات اصحاب ما و از شخصیت های گران قدر آن ها در حدیث و فقه است. هر زیبایی و علمی که مردم را با آن وصف نمایی، برتر از آن را در جعفر بن محمد بن قولویه خواهی یافت.» (9)

3- شیخ مفید: «خداوند شیخ مورد اعتماد ما، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه را تأیید فرماید.» (10)

4- ابن طاووس: «در کتاب ها ملاحظه کردم که شیخ صدوق مورد اتفاق بر امانتش، جعفر بن محمد بن قولویه است.» (11)

5- علامه حلی: «ابوالقاسم از اصحاب ثقه و جلیل القدر در حدیث و فقه بوده است. وی از طریق پدر و برادرش از سعد نقل روایت کرده است.» (12)

6- ملا علی یاری: «جعفر بن محمد بن قولویه، از ثقات و بزرگان اصحاب امامیه در فقه و حدیث است. وی از شیخ ابو جعفر کلینی و همچنین از پدرش محمد بن قولویه نقل روایت کرده است.» (13)

7- ابن حجر عسقلانی: «ابوالقاسم جعفر بن محمد بن موسی بن قولویه قمی شیعی، از بزرگان شیعه و علمای مشهور و بنام آن ها است. شیخ طوسی و نجاشی و علی بن الحکم او را جزو مشایخ شیعه آورده اند. شیخ مفید یکی از شاگردانش بوده و در مدح و ثنایش کوتاهی نمی کرده. از او نیز حسین بن عبیدالله غضایری و محمد بن سلیم صابونی روایت کرده اند.» (14)

اساتید

جعفر بن محمد به دلیل حضور در خانواده ای اهل علم و تقوا، از همان ابتدا روایت حدیث را آغاز کرده و ثبت آنها را در دستور کار قرار داد. مسافرت های این عالم فرزانه هم برای ثبت احادیث باعث شد از اساتید زیادی در ری، خوزستان، مصر و بغداد بهره جست. اساتید جعفر بن محمد که در تاریخ ثبت شده اند بدین شرح هستند:

1- محمد بن قولویه (پدر جعفر بن محمد) 2- علی بن محمد بن قولویه (برادرش) (15) 3- محمد بن یعقوب کلینی 4- محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری 5- محمد بن همام بن اسماعیل 6- علی بن الحسین بن بابویه 7- محمد بن الحسن بن ولید قمی 8- محمد بن جعفر رزّار 9- محمد بن الحسن بن علی بن مهزیار (16) 10- حسین بن محمد بن عامر 11- محمد بن الحسین جوهری (17) 12- جعفر بن محمد بن ابراهیم 13- حکیم بن داود 14- محمد بن احمد بن یعقوب 15- محمد بن عبدالمؤمن (18) 16- ابن عقده (19) 17- احمد بن اصفهید (20) 18- علی بن حاتم قزوینی 19- علی بن محمد بن یعقوب بن اسحاق صیرفی (21) 20- ابو محمد هارون بن موسی تلعبری 21- قاسم بن محمد بن علی بن ابراهیم همدانی (وکیل ناحیه مقدسه) (22) 22- محمد بن احمد بن الحسین عسکری 23- حسین بن علی زعفرانی 24- احمد بن علی بن مهدی 25- حسن بن عبدالله بن محمد بن عیسی 26- محمد بن احمد بن عیسی بن سلیمان 27- محمد بن احمد بن ابراهیم (23)

شاگردان

در مورد این که شاگردان این بزرگوار چند نفر بوده اند، آمار دقیقی در دسترس نیست؛ اما با نگاهی به شاگردان برجسته ایشان می توان احتمال داد در شهرهای قم و بغداد شاگردان بسیاری پرورش داده و در راه گسترش مذهب تشیع و فقه امامیه کوتاهی نکرده است. آنچه در تاریخ آمده، این است که شاگردان نامدار ایشان عبارت بودند از شیخ مفید، حسین بن عبیدالله غضائری، احمد بن عبدون، تلعبری، ابن عزور و محمد بن سلیم صابونی.

آثار

علاوه بر کتاب ارزشمند «کامل الزیارات»، ابن قولویه تقریباً در تمام زمینه های فقهی دارای تألیفات گران قیمتی است و کمتر کسی به این افتخار نائل آمده که می توان به برجسته ترین آنها اشاره ای کرد.

1- کتاب العقیقه 2- کتاب تاریخ الشهور و الحوادث فیها 3- کتاب النوادر 4- کتاب النساء 5- کتاب الفطرة 6- کتاب الشهادات 7- کتاب القضاء و آداب الحکام 8- کتاب یوم ولیلة 9- کتاب الحج 10- کتاب الرد علی ابن داود فی عدد شهر رمضان 11- کتاب العدد فی شهر رمضان 12- کتاب قسمة الزکوة 13- کتاب بیان حلّ الحیوان من محرّمه 14- کتاب الوطی ء بملک الیمین 15- کتاب الصرف 16- کتاب مداواة الجسد 17- کتاب الصلوة، کتاب الجمعة و الجماعة 18- کتاب قیام اللیل 19- کتاب الرضاع 20- کتاب الصداق.

وفات

این عالم بزرگوار در دهم ربیع الاول سال 368 یا 367 هجری قمری بر اثر بیماری در کاظمین از دنیا رفت و در در پایین پای دو امام به خاک سپرده شده و کنار قبر این استاد، مزار شاگردش، شیخ مفید واقع شده است.

محمد حسین حسینی نیک

/9462/702/ر

منابع:

- 1- شیخ صدوق، کمال الدین، ص 516.
- 2- بحارالانوار: ج 2، ص 90، ح 13، و 53، ص 181، س 3، وج 75، ص 380، ح 1.
- 3- مقدمه کتاب کامل الزیارات.
- 4- رجال شیخ طوسی، ص 418.
- 5- کامل الزیارات، ص 37
- 6- احمد نجاشی، رجال، ج 1، ص 310، به کوشش محمد جواد نایینی، بیروت، 1408ق.
- 7- فرامطه گروهی از اعراب آشوب گر بودند که بر ضد خلفای بغداد سر به شورش برداشتند، و مرکز خود را " بحرین " قرار دادند، و حجرالاسود را از جای خود درآوردند و با خود به بحرین بردند، و 22 سال نزد خود نگاه داشتند تا اینکه سرانجام آن در سال 339 را آوردند و بار دیگر در جای خود نصب شد.
- 8- الفهرست، ص 42؛ سفینة البحار، ج 1، ص 163؛ بهجت الآمال، ج 2، ص 558.
- 9 - رجال نجاشی، ص 89.
- 10 و 11 - تنقیح المقال، ج 1، ص 223.
- 12 - خلاصة الاقوال، ص 88؛ بهجت الآمال، ج 2، ص 559.
- 13 - بهجت الآمال، ج 2، ص 561.
- 14 - لسان المیزان، ج 2، ص 125.
- 15 - بهجت الآمال، ج 2، ص 559.
- 16 - معجم طبقات الفقهاء، ج 4، ص 123.
- 17 - معجم رجال الحدیث، ج 4، ص 116.
- 18 - همان، ص 100.
- 19 - معالم العلماء، ص 30.
- 20 - معجم رجال الحدیث، ج 4، ص 109.
- 21 و 22 - فوائد الرضویه، ص 80.
- 23 - قاموس الرجال، ج 2، ص 413.